

آسیب‌شناسی چاپ متون (۷)

مشارکتهای مردمی

نسخه‌ای آماده بهره‌برداری و مقابله گردد. تازه پس از چاپ آن باید منتظر ماند تا خریداران عصا دستان از راه برسند و کالای خود را به دست آورند.

به دلیل همین عدم تعادل در عرضه و تقاضا، رونقی در بازار تولید این محصول نخواهد بود. اینجاست که باید ندا در داد که ایها الناس به داد برسید که بازار کتاب و متون، دست یاری دراز می‌کند و همکاری می‌طلبد و همراهی. ما ایمان داریم که مردم فرهنگ دوست ایران، همیشه در ترویج نام و یاد و آثار ایران پیشگام بوده‌اند. منتها کوتاهی از ما بوده است که آنان را از همراهی با خود مطلع نکرده‌ایم. شأن ما و کتاب و مردم ما مبرا از آن است که مفهوم در یوزگی به ذهن شریف کسی خطور کند. بحث سهیم کردن و شریک نمودن در تولید علم و دانش است. هر ایرانی فهیم و دوستدار فرهنگ نیک می‌داند که علم و دانش کالایی نیست که به بها و (ثمن بخش) قابل عرضه باشد. هر ایرانی شریف و فرهنگ پروری نیک می‌داند که اگر او را به کاری نیک در تولید علم فراخوانند، همکاری و همراهی را افتخار خود می‌داند و اختصاص بخشی از دارایی خود به این موضوع را، فراتر از خمس و زکات مال خود، بلکه حق‌گزاری و سپاس از نعمتی می‌داند که خداوند به او عطا فرموده است.

شکر نعمت نعمت افزون کند

کفر نعمت از کفّت بیرون کند
در جایی خواندم که «زکاة العلم نشره» به قول عزیزی زکاة العلم (پخشه)، اگر زکات علم، تعلیم آن است، حتماً حمایت از علم پروری و تولید علم هم زکات موهبتی است که خداوند به انسان عطا فرموده است. پس گوی از شما و میدان از ما، با هم دروازه کامیابی و سعادت علمی را فتح کنیم. ایدون باد

هر اثر فرهنگی یک پدیدآورنده‌ای دارد و یک مخاطبی. پدیدآورنده کتاب همان مؤلف آن است. کتاب تجلی‌گاه و مظهر اندیشه‌هاست. کتاب محصول فکر و ابتکار و نوآوری مؤلف آن است. از هزاران سال پیش که بشر به این فکر افتاد که دست‌آورد خود را عرضه دارد و دیگران را داور محصول فکری خود قرار دهد، تاکنون که میلیونها اثر بجای مانده، رشد و تعالی تمدن بشری نتیجه این رونق و شکوفایی عقلانی انسانها بوده است.

کسی نیست که نداند این محصول فکری نیاز به بازیافت، بازکاوی، بازنگری، بازسازی و پاسداری دارد. برای این کار بزرگان این فن راه و رسمی به ارمغان گذاشته‌اند که وارثان موظف به حفظ و حراست از آن میراث هستند.

حفظ این میراث، نگهداری در گنجینه‌ها و قفسه کتابخانه‌ها نیست که آن هم جزئی از حفاظت است. ترمیم و مرمت و آفت‌زدایی هم نوعی حفاظت است. ولی حفظ اندیشه راه و رسمی دیگر دارد. حفظ اندیشه با بازپروری و کنکاش در زوایای پنهان و آشکار مفهوم و محتوای عالمانه یک اثر است. تصحیح و ویرایش یک اثر هم حفظ آن اثر است. چاپ و توزیع و مطالعه و بحث و گفت و گو و نقد و بررسی آن هم حفظ اثر است. هر یک جای خود و شأن و منزلت خود را دارد. یک اثر علمی خاص، مخاطب خاص دارد. فروش آن هم مخاطب خاص دارد. ولی تولید آن هزینه‌ای کلان برمی‌دارد. پس تولید پر هزینه یک اثر علمی از یک سو و مخاطب اندک آن از سوی دیگر، تعادل سرمایه مولد را برهم می‌زند و کندی و رکود را در پی دارد. مع الأسف چاپ متون کهن از این مقوله است. گردآوری نسخ متعدد یک اثر از کتابخانه‌های داخل و خارج، علاوه بر تحمل هزینه‌های ارزی و ریالی بر مصحح اثر یا ناشری که چاپ آن را برعهده گرفته، وقت بسیاری را هم می‌گیرد تا